

روز عرفه و نیایش / عرفه؛ فراخوان دل باختگی

<?xml encoding="UTF-8?">



ویژگی ها، مراتب و درجات نیایش

دعا، دعوت است و خواندن و مغز عبادت. پس عبادتی که دعا در آن نباشد، بی محتواست. همچنین نیایش به آن حالت روحی گویند که میان انسان و معبودش، رابطه انس و کشش ایجاد می کند. نیایش سبب نگرش مثبت به زندگی می شود. نیایش همانند عبادت تاجران و بردگان و آزادگان، دارای مراتب و درجاتی است. از طمع به بهشت و ترس از دوزخ تا شوق لقای پروردگار. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بهترین مردم کسی است که به پرستش و نیایش عشق ورزد.» امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «طمع بهشت و ترس از دوزخ، او را برای نیایش وادار نمی کند، بلکه مقتضای بندگی و عظمت خدایی خداوند، او را به ایجاد ارتباط وادار می سازد».

عید عرفه

ساز و کار نیایش، مانند ساز و کارهای تبادل امواج فیزیکی، تحت شرایطی قوت و شدت می گیرد. در مکان هایی

مانند مساجد، زیارت گاه ها و همچنین در جهت قبله، میدان های مغناطیسی مادی و معنوی برای تصعید امواج ذکر و نیایش، مناسب تر است. زمان هایی مانند سحر، شب قدر، شب جمعه و روز عرفه نیز امتیاز ویژه ای در خود نهفته دارند.

عرفه؛ یعنی دعا و دعا؛ یعنی ابزاری مناسب برای رابطه سریع عاشقانه با شکستنِ قفسِ آهنین خودپرستی. دعا؛ یعنی شیوه ای در فاصله افکنیِ ممدوح میان دل و گناه. گرایش به سپیدی و شست و شوی تیرگی های پیشین و این؛ یعنی عید. عید بر عاشقان مبارک.

جایگاه دعا در قرآن و احادیث

از جمله صفات پسندیده که قرآن کریم برای حضرت ابراهیم علیه السلام برمی شمارد، اوّاه است که در فرمایشِ امام باقر علیه السلام به معنای «بسیار دعاکننده به درگاه خداوند» آمده است. همسو با چنین اهمیتی در قرآن، در روایات نیز دعا به روح عبادت، سلاح مؤمن و کلید رحمت تعبیر شده که از جایگاه خاص دعا در اسلام خبر می دهد. این بیانات شریف، نقش محوری دعا و نیایش را در دین به روشنی تشریح می کند. برای نمونه، امام صادق علیه السلام به میسر بن عبدالعزیز می فرماید: «ای میسر! به درگاه خدا دعا کن و از پیش خود نگو که دعا فایده ندارد و آنچه شدنی است، خواهد شد. به درستی که بنده در نزد خدای متعالی مقامی دارد که جز با خواهش و تمنا به آن نمی رسد و اگر بنده ای دهان خود را ببندد و هیچ خواهش نکند، چیزی به او داده نخواهد شد. ای میسر! هر دری که کوبیده شود، امید باز شدنش خواهد رفت.»

دانش نوین و نیایش

تأثیر دعا در رفع گرفتاری های روحی و حتی جسمی انکارناشدنی است. دکتر الکسیس کارل در کتاب نیایش به اثر دعا و نیایش در جسم انسان تصریح می کند. بررسی های دامنه دار دانشمندان و تحلیل های روان شناختی و کاربردی، مفید بودن نیروی سحرآفرین ایمان را در سلامت روانی و جسمانی تأیید کرده است. حتی برخی موارد، درماندگی دانش در بیان قدرت اثربخش ایمان آشکار است. ایمان به انسان امید می بخشد و سبب تسلط وی بر خویشتن می شود؛ به طوری که می تواند فشارهای روحی را تا سرحدّ امکان مهار سازد. دکتر هارولد جی. کوپینگ معتقد است پای بندی به نظام اعتقادی، افراد را توانا می کند تا بیماری های گُشنده، درد و رنج یا اندوه از دست

رفتنِ کسی را بهتر برتابند. در قرآن نیز اساسی ترین معالجه بیماری های روانی، ذکر، نیایش و یاد خدا معرفی شده است.

عرفه، روز دلدادگی

شانه های متلاطم امروز، از مرور اشک های حسین علیه السلام آمده است. گُلِ آوایی در رگان لحظه های دشت جاری است. هوای تب دارِ عشق از دلِ کلمات عرفات برمی خیزد. هر واژه، قطعه فراگیر شوق و دریایی پر از مرهم بر کویر دلتنگی ها است. عرفه، سرمایه معنوی حاصل از سوز و گدازهای حسین علیه السلام است. بضاعت خیسِ دلدادگی و وصالِ در دسترس است. معبودا! پاره های دل ما را با حاضران در وادی آسمانی عرفات، قرین ساز و با قلم گرفتن بر خطاهای دیروز، این قطراتِ اُنس را رَهتوشه فردای معادمان کن.

استجابت دعا

از کتاب های شریف روایی، سخنان گهربار و ارزنده پیشوایان دین در زمینه استجابت دعا به دست می آید که می توان فهرست وار تحت عناوین زیر به برخی از آنها اشاره کرد: شرایط استجابت دعا عبارتند از: شناخت خدا، عمل شایسته، غذای حلال و حضور قلب؛ موانع استجابت دعا عبارتند از: گناه و منافات داشتن با حکمت خداوندی؛ انواع اجابت دعا عبارتند از: به گونه ذخیره شدن، به صورت برآورده شدن در دنیا و از راه دفع بلا. سخن اساسی اینکه نیایش هایی که به استجابت نمی رسد، نمی تواند دلیلِ بیهوده بودن نیایش باشد؛ زیرا خودِ یاری طلبی و تقاضای مطلوب از بارگاه خداوندی، موجب نزدیکی به خداست که نوعی از کمال به شمار می آید.

عرفات، پذیرای نیایش های حسینی

عرفات، منطقه ای خارج از محدوده حرم و در شرق مکه با مساحت حدود هجده کیلومتر مربع است. در شمال شرقی عرفات، جبل الرحمه (کوه رحمت) است که روایت شده رسول خدا صلی الله علیه و آله خطبه حجة الوداع را بر فراز آن ایراد فرمود. سرور آزادگان جهان، حسین بن علی علیه السلام دعای جاودانه خویش را در دامنه این کوه خواند. عرفات همچون رصدگاهی است که رو به بی نهایت نصب شده است و نیایش کنندگان، با دوربین

های مختلفی آن بی نهایت را نظاره کرده اند. سلام بر عرفات، صحرای شورگستر سرشار از عشق که پذیرای نیایش های حسینی است و درود بر دل های کربلایی حاجیان که از زمزمه های اشکبارشان، آن بیابان، عطر باران معرفت گرفته است.

تداعی رحمت

عرفه و عرفات، تداعی بخش رحمت و آمرزش است. در روایتی، بزرگ ترین جُرم برای آن گروه از اهل عرفات در نظر گرفته شده که از عرفات باز می گردند و گمان می کنند مورد بخشش قرار نگرفته اند. در این زمینه، متون روایی دریچه های روشن امید را چنین می گشایند که پس از گذشت ماه مبارک رمضان و آمرزیده نشدن شخص، او می تواند از فرصت روز عرفه با شرایط کامل آن برای آمرزش خویش بهره ببرد. بر هیچ کس پوشیده نیست که این جایگزینی، بر مقام ویژه عرفه دلالت می کند.

عرفه، یادآور نیازهای عزتمند

بارها در نماز، دلاویز و سرمست توحید، خدا را بی نیاز خوانده ایم. روز عرفه نیز همه در کنار هم، هر یک به نوع و درجه ای سهمیم بودن خود را در نیازمندی اشک می ریزیم. چه قدر عزیزند این نیازها. می توان از نفَس های این خیل نیازمند، عزّت را استشمام کرد؛ عزّتی که تنها رو به درگاه اوست. کسی که دستان پُر عرفه را فراموش کند، محرومیت واقعی راضمیمه خویش کرده است. هم از این روست که زینت عبادت کنندگان - امام سجاد علیه السلام - به سائلی که روز عرفه گدایی می کرد، فرمود: «وای بر تو! آیا در چنین روزی دست نیاز به سوی غیر خدا دراز می کنی. در چنین روزی برای کودکان در رجم امید سعادت می رود».

ستاره هایی از آسمان عرفه

تو آغازگر احسانی، پیش از توجه عبادت کنندگان؛ أَنْتَ الْبَادِی بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ. خدایا! چگونه عزتمند باشم، در حالی که از خاک خوار و بی مقدار مرا سرشتی یا چگونه عزتمند نباشم، در حالی که مرا به خودت نسبت دادی؟ اَلِهٰی کَیْفَ اَسْتَعِزُّ وَ فِی الدَّلَةِ اَرْکُزْتَنِ اَمْ کَیْفَ لَا اَسْتَعِزُّ وَ الْیَکَ نَسَبْتَنِ؟

خدای من! چگونه واگذاری مرا، حال آنکه سرپرستی ام را پذیرا شده ای؟ إلهی کَیْفَ تَکِلْنِی وَ قَدْ تَکَفَّلْتَ لِی؟ نادانی و گستاخی من بر تو، تو را از هدایتم باز نداشت؛ لَمْ یَمْنَعْکَ جَهْلِی وَ جُرْأَتِی عَلَیْکَ أَنْ دَلَّلْتَنِی. خدایا! کاری کن که چنان از تو بترسم، گویا تو را می بینم؛ اللّهُمَّ اجْعَلْنِی أَحْشَاکَ کَأَنِّی أَرَاکَ. معامله آن بنده بسی زیانبار است که به او بهره ای از عشقت نداده ای؛ خَسِرْتُ صَفْقَةً عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّکَ نَصِیبًا.

چه دارد آنکه تو را ندارد، و چه ندارد آنکه تو را دارد؟ مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَ مَا الَّذِی فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟ هرچند بندگی من به طور جدّی تداوم نیافت، اما دوستی و اراده قطعی ام پایدار است؛ إِنْ لَمْ تَذُمَّ الطَّاعَةَ مِنِّی فِعْلاً جَزْماً فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَ عَزْماً.

خدای من! مرا به که و ا می گذاری؟ به آشنایی که از من می گسلد یا به بیگانه ای که بر من تُرْش می کند؟ إلهی إلی مَنْ تَکِلْنِی إلی قَرِیبٍ فَيَقْطَعْنِی أَمْ إلی بَعِیدٍ فَيَتَجَهَّمْنِی؟ دست نیاز به درگاهت دراز کرده ایم. همان دست ها که به خواری اعتراف نام گرفته است؛ فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَیْکَ أَيْدِینَا فَهَیْ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ مُؤْسُومَةٌ.

خدایا! من در توانگری ام مستمندم، پس چگونه در نیازمندی ام مستمند نباشم؟ إلهی أَنَا الْفَقِیرُ فِی غِنَایْ فَکَیْفَ لَا أَکُونُ فَاقِیرًا فِی فَقْرِی.